

اسماعیلیه در روند تاریخ

« پژوهشی درباره فرازوفرود اسماعیلیه از گذشته تا اکنون »



(تحقق و پژوهش استاد صباح)

دوستان ، اندیشمندان ، محققین و پژوهشگران گران ارج ، درود و حرمت فراوان به تک تک شما. درین قسمت پژوهشی در فرازوفرود اسماعیلیه انجام دادم و منظورم فقط و فقط پیرامون تاریخ و حوادث این طریقه اسلامی است تا بتوانیم پژوهش های همه جانبه بی دیگری رابه کمک و همیاری شما انجام بدهیم.

اسماعیلیه تا دولت فاطمیان



شروع آن از علی بن ابی طالب (ع) بود. از طریق علی (ع) به حسن و حسین (ع) رسید، از حسین (ع) به زین العابدین (ع) و از ایشان به محمد بن علی الباقر (ع) و از امام باقر (ع) به جعفر صادق (ع)، از طریق امام صادق (ع) سه شاخه پدید آمد که عبارت بودن از: اسماعیل، عبدالله، و موسی کاظم (ع). شیعیان اثنی عشری از امام موسی کاظم (ع) ادامه پیدا می کنند. اما از طریق اسماعیل، امامت به علی و محمد مکتوم می رسد، از طریق محمد مکتوم به شش شاخه تقسیم شده و به احمد، اسماعیل، عبدالله، علی لیث، حسین و جعفر رسید.

از طریق عبدالله به ابراهیم و احمد، از طریق احمد به حسین و محمد حکیم، از حسین به ابومحمد و عبدالله سعید مشهور به عبیدالله مهدی و از طریق محمد حکیم به ابوالقاسم محمد مشهور به القائم بامر الله. ادامه سلسله امامان اسماعیلیه یا خلفای فاطمی بعد از القائم بامرالله تداوم می یابد.

نخستین دعوت اسماعیلیه در سال ۲۶۸ هـ.ق - در کشور یمن رخ داد، اسماعیلیه در مدت نسبتاً کوتاهی بعد از انشعاب از شیعه موفق شدند دولت فاطمی را در مصر و بعد از انشعاب داخلی، حکومت نزاری را در «الموت» تاسیس کنند و تهدیدی جدی علیه عباسیان از شرق و غرب باشند. پس از سقوط دولت های فاطمی و نزاری، اسماعیلیان دیگر رهگرز نتوانستند به قدرت برگردند و به دور افتاده ترین کشورهای جهان اسلام بخصوص یمن و شبه قاره هند پناه بردند. و عمدتاً در هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان در آسیای مرکزی و پامیر چین. اسماعیلیه در سوریه در قلعه مصیاف و قلعه القدموس و سلمیه و در ایران در کهک و محلات قم و بیرجند و قاین خراسان و در افغانستان در کابل، بلخ، بدخشان، پروان، بامیان، بغلان، سمنگان، کندز، ننگرهار... و در اکثر نقاط آسیای مرکزی زندگی دارند. در هند و پاکستان بیش از دیگر کشورها مراکز اسماعیلیه وجود دارد و در محل هایی به نام اجمیر و مرواره و راجپوتانه، کراچی، گلگت، پشاور، موپته، سند، کشمیر، بمبئی، بروده و کورج مسکن گزین اند. اسماعیلیان در بیش از ۲۵ کشور در قاره های آسیا و آفریقا و اروپا و امریکا سکونت دارند.

اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق (ع) که فرد بسیار بزرگواری، دانا، پرهیزگار و معتقد بود، پنج سال پیش از شهادت امام ششم شیعیان وفات یافت و به فرمان آن حضرت تجهیز و به خاک سپرده شد. آرامگاه او فعلاً در قبرستان بقیع در مدینه منوره قرار دارد. امام جعفر صادق فرزند خود موسی را به عنوان امام بعد از خود به مردم معرفی کردند. با این حال، تعداد از صادقترین یاران امام صادق (ع) با این انتصاب مخالفت نموده و بر امامت اسماعیل پای فشردند. آنان حتی منکر مرگ اسماعیل شدند و مرگ او را تقیه ی برای مصونیت از سوء قصد دشمنان دانستند. اینان سپس محمد پسر اسماعیل را امام بعدی دانستند و از شیعیان جدا شدند.

اسماعیل بزرگترین فرزند امام صادق علیه السلام بود و بسیار مورد علاقه پدر، تا آنجا که بسیاری از شیعیان گمان می کردند بعد از امام صادق علیه السلام به امامت می رسد. اما گروهی که از امامت امام اسماعیل سرپیچیدند میگویند اسماعیل در زمان حیات امام صادق علیه السلام، در سال یکصد و سی و سه هجری گفته می شود (؟؟؟) در محلی به نام «عریض» در مدینه از دنیا رفت و او را در بقیع به خاک سپردند.

اسماعیلیان یا هفت امامی ها جز یکی از طریقه های شیعی محسوب می شوند. آنها معتقدند که پس از امام جعفر صادق امامت به اسماعیل فرزند ارشد وی رسید. آنها اسماعیل پسر امام صادق و پسر اسماعیل را امامان منصوص می دانستند.

اسماعیلیه ها اسماعیل را امام پس از امام صادق معرفی نمودند و مرگش را نوعی غیبت تلقی کرده، طریقه و مکتبی تاسیس نمودند. اسماعیلیه بر همین اساس ایجاد شد و رشد کرد و صاحب قدرت و حکومت گشت. خیلی از اطرافیان امام جعفر صادق تاکید داشتند که اسماعیل هنوز زنده است و روزی به عنوان قائم (عج) ظهور خواهد کرد. امروز نیز درخت نیرومند و پربار اسماعیلیه به زعامت شهزاده کریم آقاخان و رهبری خردمندانه وی در سراسر دنیا وجود دارد. در طول تاریخ دولتهای نظامی زیادی تشکیل شدند. اما اسماعیلیان یک استثنا محسوب می شوند. آنان در سال 483 هجری برابر با 1090 میلادی دولتی نیرومند پی افکندند که تا سال (1256/654) دوام آوردند. دولت اسماعیلیه اگرچه قلمرو پراکنده ای داشت اما توانست در برابر واکنشهای سرسخت خلافت عباسی و ... پایداری خود را حفظ کند. در سال (357/969م) اسماعیلیان توانستند در مصر قدرت را بدست گیرند و دودمان خلفای فاطمی را تاسیس کنند. به دنبال این اقدام اسماعیلیان خراسان هم به تکاپو افتادند. با ظهور دولت متعصب سلجوقی اسماعیلیان خراسان نخستین اقدامات جدی خود را برای بدست گرفتن قدرت آغاز کردند. می توان قیام آنها را اعتراضی بر بی عدالتیهای موجود در جامعه دانست. حسن صباح جوان پرشوی که به مصر اعزام شده بود. پس از بازگشت رهبری قیام را بر عهده گرفت و با استقرار در قلعه الموت توانست قدرت اسماعیلیان را تثبیت کند. تصرف در الموت را نخستین یورش در قیام اسماعیلیان می دانند. به محض افتادن الموت بدست اسماعیلیان کار قیام به سرعت بالا گرفت. اگرچه نتوانستند سلجوقیان را براندازند اما جامعه ی جداگانه در داخل حکومت پی افکندند. پس از مرگ محمد، اسماعیلیه تلاشهای مثمري را انجام با استقرار حکومت فاطمیان مصر، این اسماعیلیه بسیار قدرتمند شد و مبلغانی را به سراسر کشورهای اسلامی اعزام نمود. پس از مرگ المستنصر، هشتمین خلیفه فاطمی و امام اسماعیلیه ها، اختلافی بین اسماعیلیان بروز نمود؛ زیرا عده از آنان، نزار پسر بزرگ وی را رهبر اسماعیلیه ها دانستند و تعداد دیگر، مستعلی فرزند کوچک وی را. این امر سبب بروز درگیری سختی بین دو برادر شد و به انشعاب اسماعیلیه ها انجامید؛ پیروان نزار ستون اصلی اسماعیلیه گردیده و به سلسله ت امامت شهزاده کریم آقاخان به رهبری اسماعیلیه ادامه دادند و مشهورترین شخصیت های این مذهب حکیم ناصر خسروی بلخی که بعد از سفرهای طولانی به کشورهای عربی و سرانجام در خراسان (افغانستان کنونی) و دریمگان بدخشان جاودانه شد. و حسن صباح در قرن ششم هجری در زمان حکومت سلجوقیان قیام کرد و قلعه الموت را به عنوان پایگاه اصلی خود قرار داد. اسماعیلیه های که ستون اصلی اسماعیلیه ها را تشکیل میدهند، معتقد به امامت المستنصر بالله میباشند و پس از او قائل به امامت فرزند دیگرش نزار بن معد هستند، طریقه قاسمیه همین اسماعیلیه های معروف شهزاده کریم آقاخان است که قائل به استمرار امامت بطور حضور تا همین زمان می باشند.

پیروان امام صادق (ع) پس از شهادت آن حضرت به دو قسمت تقسیم شدند:

الف. تعدادی موسی بن جعفر (ع) را امام دانسته و آن حضرت را امام ششم خویش معرفی کردند.

ب. گروهی امام خویش را اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق (ع) (که در زمان حیات امام صادق (ع) از دنیا رفته بود؟؟؟) معرفی کرده و به اسماعیلیه معروف شدند.

اسماعیلیه در دوره خلافت فاطمیان



بعد از قائم بامر الله ابو محمد عبیدالله؛ المهدي بالله، بعد از وی ابوالقاسم محمد القائم بامر الله، سپس ابوظاهر اسماعیل المنصور بالله، آنگاه ابوتیمم معد المعز لدین الله، بعد ابو منصور نزار العزیز بالله، سپس ابو علی المنصور الحاکم بامر الله، آنگاه الحسن علی الظاهر لاعزاز دین الله و سپس ابوتیمم معد المستنصر بالله امام شدند. پس از وی امامت ذیل سه نفر یعنی، نزار، المستعلی بالله و ابوالقاسم محمد به سه شاخه تقسیم شد. از المستعلی بالله به الامر با حکام الله و از او به الطیب و سپس امامان غایب طیبی رسید. اما از ابوالقاسم محمد به عبدالمجید الحافظ رسید، از وی به یوسف و ظافر انتقال یافت. از یوسف به العاضد، سپس به داود و بقیه امامان حافظی رسید. و از الظافر به الفانز منتقل شد.

بنابراین امامان اسماعیلیه عبارتند از :

- اسماعیل بن جعفر (80 - 148 هجری)
 - محمد بن اسماعیل (132 - 193 هجری) .
 - عبدالله بن محمد بن اسماعیل (179 - 212 هجری)
 - احمد بن عبدالله (198 - 265 هجری)
 - حسین بن محمد (219 - 289 هجری)
 - عبیدالله بن مهدی: مؤسس دولت اسماعیلیه در مغرب (260 - 322 هجری)
 - القائم بامر الله (محمد بن عبیدالله) (280 - 334 هجری)
 - اسماعیل فرزند القائم بامر الله (303 - 346 هجری)
 - معد بن اسماعیل ملقب به « المعز لدین الله » مؤسس دولت فاطمیین در مصر (319 - 365 هجری)
 - نزار بن معد ملقب به « العزیز بالله » (344 - 386 هجری)
 - منصور بن نزار ملقب به « الحاکم بامر الله » (375 - 411 هجری) .
 - علی بن منصور ملقب به « الظاهر لاعزاز دین الله » (395 - 427 هجری)
 - معد بن علی ملقب به « المستنصر بالله » (420 - 487 هجری)
- و همچنان طریقه نزاریه معتقدند که پس از مستنصر بالله، امامت به ترتیب ذیل است :
- نزار بن معد المستنصر .
 - جلال الدین حسن بن اعلی محمد .
 - علاءالدین بن جلال الدین .
 - رکن الدین خورشاه بن علاءالدین .
 - شمس الدین بن رکن الدین .

اسماعیلیان در دوره فاطمی (تا 487ق) خلافت و دولت مستقل و نیرومندی از خود یافتند و دعوت و تفکر و ادبیات اسماعیلیه را به اوج شکوفایی رسانیدند. در همین دوره بود که داعیان اسماعیلیه رساله های بسیاری تألیف کردند. پس از انتقال مرکز حکومت فاطمیان از افریقیه به مصر، فاطمیان به طور کلی در زمینه ترویج فرهنگ و هنر و علوم اسلامی نیز نقش مهمی ایفا کردند. تنها در زمان چهارمین خلیفه فاطمی المعز لدین الله فاطمیان از صلح و امنیت داخلی کافی برخوردار شدند تا بتوانند سیاست توسعه طلبانه ای را برای بسط حدود قلمرو خود در سرزمینهای شرق دنیای اسلام دنبال کنند. در تعقیب این سیاست که با تصرف مصر و سپس حجاز آغاز شد، معز اقدامات مختلفی برای جلب حمایت جوامع قرمطی سرزمینهای شرقی انجام داد و به ویژه برخی از نظریات آنها را رسماً وارد تعالیم دعوت اسماعیلیان فاطمی کرد. معز فاطمی از یک سو امید داشت که بتواند از نیروی قرمطیان در پیشبرد سیاستهایش استفاده کند، و از سوی دیگر از نفوذ برخی از عقاید قرمطی در میان اسماعیلیان فاطمی سرزمینهای شرقی دنیای اسلام بیمناک بود. اکنون روشن شده است که معز فاطمی خود آثاری در اصول عقاید اسماعیلیه تألیف کرده، و همه رسالات قاضی نعمان مشهورترین فقیه فاطمی، را نیز به دقت مطالعه می کرده، و در حقیقت اصلاحاتی در تعالیم اسماعیلیان فاطمی وارد کرده بوده است. کوششهای معز فاطمی برای جلب حمایت قرمطیان موفقیت آمیز بود. در نتیجه، اکثر قرمطیان خراسان و سیستان و مکران به جناح اسماعیلیان فاطمی پیوستند.

معروف ترین داعی فاطمی در آن زمان در سرزمینهای شرقی، حمید الدین احمد بن عبدالله کرمانی (411 ق) فیلسوف برجسته بود که با زبانها و اصول عقاید مسیحیان و یهودیان، و مکتوبات مقدس آنان آشنایی کامل داشت و در مناظرات بین ادیان، متکلمی توانا بود. از دیگر داعیان مهم فاطمی در این دوره ناصر خسرو بلخی (481 ق) شاعر و فیلسوف و سیاح معروف است که به مقام والایی در سلسله مراتب دعوت رسید و دعوت فاطمی را در خراسان رهبری کرد. ناصر خسرو که دعوت را از مقر اولیه فعالیتش در بلخ به نیشابور و دیگر نواحی خراسان گسترش داد، برای مدتی نیز به طبرستان رفت و در طبرستان و دیگر نواحی دیلم، جماعتی پر شمار را به مذهب اسماعیلیه درآورد که آنها نیز امامت مستنصر فاطمی را پذیرفتند.

در یمن، پس از مرگ ابن حوشب، فعالیت‌های دعوت، به طور محدود ادامه داشت. در 429ق - داعی علی بن محمد صلیحی که با مرکز دعوت اسماعیلیه در قاهره در تماس بود، در منطقه کوهستانی مسارخروج کرد و سلسله اسماعیلیه صلیحیون را بنیان نهاد. صلیحیون که ریاست دعوت اسماعیلیه را در یمن بر عهده داشتند، حدود یک قرن، تا 532ق، بر بخش‌های مهمی از آن سرزمین به نیابت از فاطمیان حکومت کردند و اقتدار خود را تا اندازه ای به مناطق مجاور، مانند عمان و حضر موت و بحرین نیز بسط دادند. صلیحیون نقش مؤثری در بسط دعوت اسماعیلیه به هندوستان نیز ایفا کرده اند. جماعت اسماعیلیه جدیدی در کجرات پیدا گشت که در قرون بعدی پایگاه اصلی اسماعیلیان گردید که هنوز در آنجا حائز اهمیتند.

در اثر فعالیت‌های حمید الدین کرمانی و دیگر داعیان فاطمی، شماری از امرای عرب در عراق که به تشیع گرایش داشتند، مانند معتمد الدوله قرواش عقیلی حاکم موصل و کوفه و مدائن، به مذهب اسماعیلی گرویدند. این موفقیت‌های دعوت فاطمی حتی در نزدیکی مقرحکومت عباسیان، خصومت خلیفه عباسی قادر را بیش از پیش برانگیخت؛ وی در 402 ق - شماری از علمای درباری را به بغداد فراخواند و از آنان خواست تا در بیانیه ای رسماً نسب علوی خلفای فاطمی را باطل اعلام کنند. موفقیت‌های دعوت اسماعیلیه در زمان مستنصر موج جدیدی از واکنش‌های ضد اسماعیلیه را از جانب عباسیان و سلجوقیان برانگیخت؛ چنانکه برخی از سلسله های محلی مانند قراختیان ماوراء النهر، به قلع و قمع اسماعیلیان پرداختند. عباسیان نیز همچنان تألیف رسالات ضد اسماعیلیه را تشویق می کردند و در میان این نوع آثار مهم ترین اثر را ابو حامد غزالی به درخواست خلیفه عباسی مستظهر به نام فضائح الباطنیه تنظیم کرد. اسماعیلیان فاطمی به طور کلی چارچوب تعالیم اعتقادی اسماعیلیان نخستین را حفظ کردند. علمای فاطمی آثار بسیاری در زمینه های علوم ظاهری و علوم باطنی، و علم تأویل تألیف کردند و به تعالیم امامان خود اکتفا می کردند. موسسه مطالعات اسماعیلی تحت عنوان - دست‌آوردهای امپراتوری فاطمیان می نویسد:

دست‌آوردهای امپراتوری فاطمیان در روایت‌های مربوط به دوره ی آغازین تاریخ اسماعیلیه، حدوداً از ابتدای پیدایش اسلام تا قرن یازدهم میلادی، وجهی غالب دارد. سلسله ی فاطمیان، که نامش از فاطمه دختر حضرت محمد (ص) گرفته شده است، حکومتی را به وجود آورد که به مدت دو قرن موجب گسترش و توسعه ی هنر، علم و تجارت در منطقه ی خاور نزدیک مدیترانه‌ای شد. مرکز آن قاهره بود که فاطمیان آن را به عنوان پایتخت خود بنا کردند. بعد از دوره ی فاطمیان، مرکز و مقر جغرافیایی مسلمانان اسماعیلی از مصر به سوریه و ایران منتقل شد. بعد از سقوط الموت مرکز حکومت آنان در ایران به دست فاتحان مغول در قرن سیزدهم، اسماعیلیان چندین سده در قالب اجتماعات پراکنده، عمدتاً در ایران و آسیای میانه و همچنین در سوریه، هند و جاهای دیگر ادامه ی حیات دادند. در دهه ی ۱۸۳۰ لقب افتخاری موروثی آقاخان از سوی پادشاه ایران به آقا حسن علی شاه، امام چهل و ششم، اهداء شد. در سال ۱۸۴۳ آقاخان اول، که اجتماع بزرگی از پیروان اسماعیلیه داشت، ایران را به مقصد هند ترک کرد. آقاخان دوم در سال ۱۸۸۵ و تنها چهار سال پس از رسیدن به مقام امامت درگذشت. جانشین او سرسلطان محمد شاه شد که پدر بزرگ امام حاضر و امام پیش از وی بوده است.

رستاخیز اسماعیلیه



مسلمانان شیعه‌ی امامیه‌ی اسماعیلیه که به طور عام به اسماعیلیان معروف‌اند، به شاخه‌ی شیعه‌ی اسلام تعلق دارند. تشیع در کنار تسنن یکی از شاخه‌های عمده‌ی اسلام را تشکیل می‌دهد. اسماعیلیان در بیش از ۲۵ کشور و عمدتاً در آسیای میانه و جنوبی، آفریقا و خاورمیانه و همچنین در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا زندگی می‌کنند. به عنوان مسلمان، اسماعیلیان قایل به شهادتین هستند یعنی «خدایی به جز الله وجود ندارد و محمد (ص) فرستاده‌ی اوست». اسماعیلیان معتقدند که حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر خدا بوده و قرآن آخرین پیام خداوند بر او نازل شده است. به باور مسلمانان، این وحی غایت رسالتی است که قبلاً توسط سایر پیامبران آیین ابراهیمی پیش از محمد، شامل ابراهیم، موسی و عیسی، که همگی توسط مسلمانان به عنوان پیامبران خدا تکریم می‌شوند، آشکار شده بود. نخستین مرکز دعوت اسماعیلیه در کوفه بود و اعضای معدودی داشتند، تا زمانی که اسماعیلیان با برپایی نهضت واحد اندکی پس از اواسط قرن 3 ق/9م - ناگهان در صحنه تاریخ اسلام ظاهر گردیدند. به نظر می‌رسد که طی این یک قرن، رهبرانی درخفا و به استمرار برای ایجاد یک نهضت واحد و پویا در میان گروه‌های اسماعیلیه نخستین فعالیت داشته‌اند. این رهبران احتمالاً امامان همان دسته‌ای بوده‌اند که با مرگ محمد بن اسماعیل و تداوم امامت را پذیرفته بودند. کوشش‌های این رهبران، عاقبت پس از نزدیک به یک قرن در حدود سال 260 ق/874م- به نتیجه رسید و از همان موقع شبکه‌ی از داعیان اسماعیلیه در بلاد مختلف اسلامی پدیدار گشتند و فعالیت گسترده‌ی را برای بسط دعوت اسماعیلیه آغاز کردند. در آن تاریخ دعوت اسماعیلیه همچنان تحت هدایت رهبری مرکزی مستقر در سلمیه قرار داشته، وهویت واقعی این رهبران نیز هنوز به گونه‌های مختلف کتمان می‌شده است.

برای جلب حمایت بیشترین شمار از اسماعیلیان نخستین، رهبران مرکزی اسماعیلیه تا مدتها به نام محمد بن اسماعیل دعوت می‌کردند که اعتقاد به امامت و مهدویت وی نظریه اصلی مبارکيه و مهم ترین بخشی از آنها بوده است. به عبارت دیگر، نظریه اینکه اکثر اسماعیلیان نخستین در انتظار رجعت محمد بن اسماعیل به عنوان مهدی و گسترش حکومت عدل او بوده‌اند، رهبران مرکزی نیز بر همین نظریه تأکید داشته، و نهضت واحد اسماعیلیه را در قرن (3ق) بر اساس همین نظریه درباره امامت استوار کرده بودند.

گسترش سریع دعوت در سده (3ق/9م) بر اساس منابع، نکات اصلی دعوت اسماعیلیه در قرن سه قمری را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد- در 261 ق/875م، حمدان قرمط فرزند اشعث که از اهالی سواد کوفه بوده، دعوت اسماعیلیه را در نواحی اطراف کوفه سایر نقاط جنوب عراق آغاز، و سازماندهی کرده، و داعیانی نیز برای نواحی مهم آن منطقه معین کرده است. حمدان به زودی پیروان زیادی پیدا کرد که به قرامطه (جمع قرمطی، منسوب به قرمط) اشتهار یافته‌اند. در اندک مدتی واژه قرامطه به گروه‌های اسماعیلیه دیگر بلاد نیز که ارتباطی با حمدان قرمط نداشته‌اند، اطلاق شد. اندکی بعد، معتضد خلیفه عباسی، سیاست قاطع تری در مقابل اسماعیلیان اتخاذ کرد و با سرکوبی شدید شورش‌های بعدی آنان در طول سالهای 287289 ق/900902م - از پیروزی احتمالی قیام اسماعیلیه در عراق جلوگیری کرد. دعوت دریم که همواره یکی از پایگاه‌های مهم اسماعیلیه بوده، و از ابتدا ارتباطات نزدیکی با رهبران مرکزی نهضت داشته است، توسط دو داعی به نام‌های ابن حوشب، معروف به منصور الیمن و علی بن فضل بنیان گذارده شد که از (270ق) دعوت اسماعیلیه را به طور علنی در آنجا ترویج نمودند. دعوت به تدریج از یمن به مناطق مجاور، مانند یمامه، در شبه جزیره عربستان نیز بسط یافت.

دعوت اسماعیلیه در سرزمین بربرهای شمال آفریقا نیز اشاعه پیدا کرد و مقدمات تأسیس خلافت فاطمیان فراهم گردید. در حدود سال 281 ق/894م - دعوت اسماعیلیه در منطقه بحرین در شرق عربستان آغاز گردید و ابوسعید جنابی از جانب حمدان به بحرین فرستاده شد تا دعوت را در آنجا سازماندهی و رهبری کند. ابوسعید سرانجام موفق شد که تا 286 ق/899م، قسمت اعظم بحرین را تحت نفوذ خود درآورد و دولت مستقلی را در آنجا بنیان نهاد. اندکی پس از 260 ق- دعوت اسماعیلیه در قسمت‌هایی از مرکز و شمال غربی ایران، منطقه ای که اعراب آن را جبال می‌خواندند، آغاز گردید و سپس به خراسان و ماوراء النهر نیز بسط یافت. در ناحیه ری که مرکز دعوت در جبال بوده، داعی خلف حلاج آغازگر نهضت اسماعیلیه شد. پس از خلف پسرش احمد رئیس دعوت در جبال شد و سپس دستیار اصلی احمد به نام غیاث از اهل کلین، به ریاست دعوت در جبال رسید.

در خراسان و نیز ماوراء النهر، پس از فعالیت‌های مقدماتی غیاث، دعوت در آخرین دهه قرن (3ق) رسماً توسط داعی ابو عبدالله خادم افتتاح شد. داعی بعدی در خراسان و مناطق مجاور، امیرحسین بن علی مرو رودی بود که خود به طبقه اشراف تعلق داشت. داعی امیرحسین محمد بن احمد نسفی را به جانشینی خود برگزید. نسفی همچنین نخستین مؤلف و فیلسوف اسماعیلیه بود که تفکر مذهبی این طریقه را با نوعی فلسفه نوافلاطونی رایج در جهان اسلام درهم آمیخت.

دولت ملکشاه سلجوقی



465 - 485 ق / 1072 - 1092 م

((الب اسلان چندین پسر داشت، اما به انگیزه دل بستگی زیاد به ملکشاه که در دلاوری و تهور شهرت داشت، در زمان حیات، او را به ولایت عهدی خود برگزید. این پادشاه در 447 ق / 1055 م دیده به جهان گشود و به هنگام امارت هجده ساله بود؛ قامتی تمام، شانه‌هایی پهن و بازویی نیرومند و ستبر داشت و با جمله سلاحها آشنایی و درسواری و چوگان بازی، بی اندازه چالاک بود .

ملکشاه در همان آغاز جلوس با مخالفت کاکای خود، قاورد - حاکم کرمان - مواجه شد اما در جنگی که بین آن دو روی داد، قاورد را مغلوب و سپس به تدبیر نظام الملک در زندان مقتول شد. دوپسر قاورد نیز در زندان نابینا شدند . پس از تحکم قدرت خود، با توصیه خواجه نظام الملک به توسعه قلمرو خود پرداخت. نخست در بغداد، دختر خویش را به خلیفه مقتدی تزویج کرد «480 ق / 1087 م». سال بعد به به سمرقند تاخت «481 ق / 1088 م»، و شهر را با عراده و منجنیق محاصره کرد .

سرانجام احمد خان، فرمانروای آن جا را تنبیه و او را به رعایت احوال رعیت الزام کرد. پس از آن به توسعه قلمرو خویش پرداخت و انطاکیه و دمشق و حلب را به تصرف درآورد و آن کرانه‌ها را بین امیران سپاه بخش کرد . سلطان بیشتر اوقات خود را به تفریح و شکار می‌گذراند و تدبیر امور را به دست ، خواجه نظام الملک سپرده بود. با این حال برای آگاهی از احوال رعایا، غالباً در اکناف مملکت به مسافرت اشتغال داشت.

در اواخر سلطنت از قدرت و سلطه نظام الملک ملال خاطر یافت. گویند ترکان خاتون، دختر ابوالمظفر عمادالدوله ابراهیم طمغاج بن نصر که همسر ملکشاه بود، بر سلطان نفوذ فراوان داشت. وزارت ترکان خاتون با مرزبان بن خسرو فیروز تاج الملک ابوالغنائم بود و این بانو می‌کوشید وی را به جای نظام الملک به وزارت سلطان بنشانند . به همین انگیزه به بدگویی از خواجه نظام الملک می‌پرداخت و در این کار به اندازه‌ای پافشاری نمود که رأی سلطان را نسبت به خواجه برگرداند. انگیزه اصلی این دشمنی ترکان خاتون آن بود که کودک خود را به جانشینی ملکشاه برگزیند، ولی خواجه بر کیارق، پسرزبیده خاتون، دختر امیر یاقوتی را که فرزند ارشد سلطان بود، برای این جایگاه سزاوارتر و شایسته‌تر می‌دانست . عاقبت ملکشاه جایگاه نظام الملک را به تاج الملک واگذار کرد و وزیران زیر دست او را نیز از مناصبشان بی‌کار نمود. چنان که جایگاه شرف الملک ابوسعید مستوفی را به مجدالملک ابوالفضل قمی و جایگاه کمال الدین ابوالرضا عارفی را به سدید الملک ابوالمعالی داد .

سلطان ملکشاه در «485 ق / 1092 م» رهسپار بغداد شد و خواجه نظام الملک به دنبال او شتافت. از این رو وقتی خواجه در راه بغداد، در حدود سهنه «صحنه» و به قولی دربروچرد رسید، ابوطاهر، یکی از فداییان اسماعیلیه ، خواجه را به ضرب خنجر از پای درآورد «رمضان 485 ق / اکتبر 1092 م». خواجه در زمان مرگ هفتاد و هفت سال سن داشت، و البته ملکشاه نیز از مرگ خواجه و فقدان او اظهار تأثر نکرد . خود سلطان نیز چند هفته پس از مرگ خواجه، در پایان یک شکار بیمار شد و چشم از جهان فرو بست «رمضان / شوال 485 ق / اکتبر / نوامبر 1092 م». پس از ملکشاه، پسرش برکیارق، بعد از درگیریهای خانوادگی با حمایت و تدبیر پسران خواجه نظام الملک بر تخت امارت سلجوقیان نشست.

فرمانروایان سلجوقیان که حسن صباح در مقابل آنان مردانه ایستاد و مبارزه نمود:

طغرل سلجوقی

جعفری بیگ سلجوق

الـب ارسلان سلجوقى
ملکشاه سلجوقى
برکيارق سلجوقى
محمد بن ملکشاه سلجوقى
سنجر سلجوقى
محمود بن ملکشاه سلجوقى
طغرل بن محمد بن ملکشاه سلجوقى
مسعود بن محمد بن ملکشاه سلجوقى
ملکشاه بن محمود سلجوقى
محمد بن محمود سلجوقى
سلیمان شاه بن محمد سلجوقى
سلطان ارسلان بن طغرل سلجوقى
طغرل بن ارسلان سلجوقى .))

مبارزات اسماعیلیان شکلی بی سابقه داشت. تقریباً در تمام شهرها هسته اسماعیلیه وجود داشت که تجمع دسته‌های مسلح بود. شیوه مبارزاتی آنها جان فشانی بود و اغلب در مورد دشمنان از این شیوه بهره می‌گرفتند. قتل خواجه نظام الملک از جمله این جان فشانیها بود. کسانی به جان فشانی انتخاب می‌شدند فدایی خوانده می‌شدند. آنها مطیع محض امام اسماعیلیه بودند و خودگذری را وظیفه‌ای دینی می‌دانستند.

شیوه مبارزاتی دیگر اسماعیلیان آن دوران تهدید رجال بود. گاهی درخانه بزرگان به عنوان خدمتکار وارد می‌شدند و منتظر فرصت مناسب می‌ماندند. خصوصاً تهدید آنها فوق‌العاده بود. مثلاً مردی پس از بیداری خنجرى در بالینش می‌یافت و نوشته‌ی تهدید آمیز. مبارزه فکری از دیگر شیوه‌های مبارزاتی آنها بود. چیزی که بیش از همه مشخص است بالا بودن سطح حیات آنها است. اسماعیلیان برجسته عموماً دانشمندانى بودند که در ستاره شناسی، طبابت، دواسازی و علوم دیگر مهارت داشتند. کتابخانه‌های اسماعیلیان شامل قرآن و همه نوع کتاب دینی و علمی بود.

اندیشمندان اسماعیلیه :

ناصر خسرو بلخی

ابوحاتم رازی

ابوعبدالله نسفی (نخشبى)

قاضی نعمان

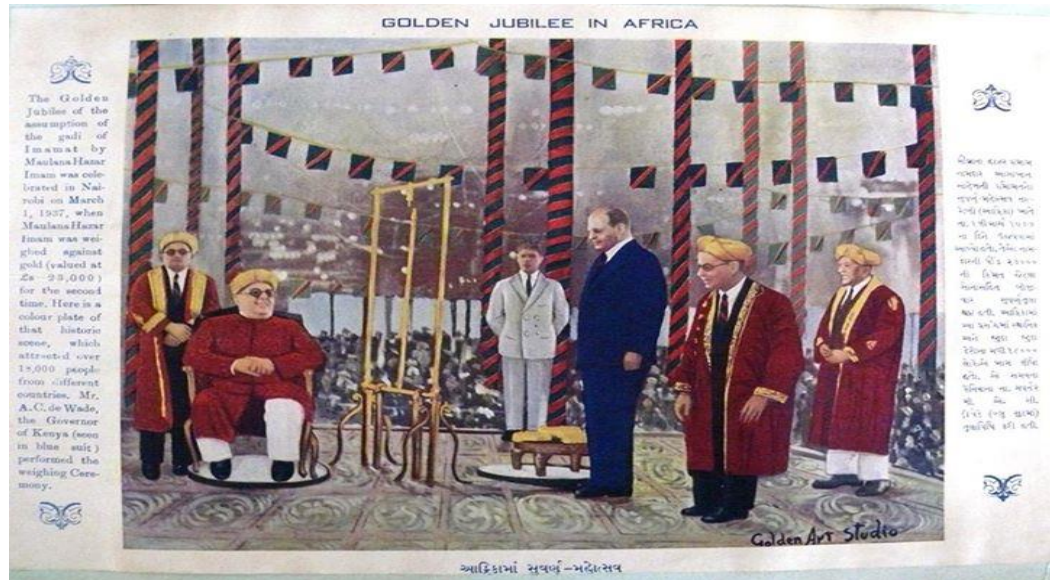
ابویعقوب سجستانی

حمیدالدین کرمانی

موید الدین شیرازی.

با پایان دوره الموت ضریه سختی بر اسماعیلیان وارد آمد. اما با وجود این، دو نکته سبب استمرار تاریخ شد: یکی آنکه بنابر روایت منابع اسماعیلیه، خورشاه، پسر خود شمس الدین را از خطر رهانیده و او را از مردم پنهان ساخته بود و از طریق او سلسله امامت نزاری استمرار یافت و دیگر آنکه بخش‌هایی از اسماعیلیه در قالب گروه‌ها و حلقه‌های صوفیان به حیات خود ادامه دادند. بدین سان پس از رکن الدین که هشتمین حاکم الموت و خود بیست و هفتمین امام اسماعیلیان نزاری بود این سلسله از طریق فرزند او شمس الدین محمد ادامه یافت.

سلطان محمد شاه آقاخان سوم «گفتنی‌های نو»



حضرت والا حضرت سرکار سلطان محمدشاہ (۱۸۷۷-۱۹۵۷) چهل و هشتمین امام موروثی مسلمانان شیعه‌ای اسماعیلیه بود. او به واسطه‌ی دانش عمیقی که از سنت‌های فرهنگی متنوع داشت، واجد جایگاهی منحصر به فرد بود و نقشی مهم در امور بین‌المللی زمان خویش ایفا کرده و حرفه‌ی عمومی او دارای ابعاد زیادی بود. حضرت آقاخان سوم سلطان محمد شاه یک اصلاح‌گر اجتماعی بود که دغدغه‌هایش شامل کاهش فقر روستایی و ارتقاء زنان در جامعه بود. او که یکی از طرفداران تحصیلات مدرن بود، به یکی از حامیان پرشور پیشرفت تحصیلی مردان و زنان در هند و آفریقای شرقی تبدیل شد. او که یکی از خبرگان مشتاق فرهنگی بود، پشتیبان یک آموزش حقیقتاً چند فرهنگی بود که بهترین‌ها و بالاترین‌ها را از ادبیات کلاسیک غرب و شرق با هم تلفیق می‌کرد. او قهرمان روابط حسنه میان کشورها و ملت‌ها بود.

در سال ۱۹۹۸، انتشارات بین‌المللی کنگن پاول، گزیده‌ای از سخنرانی‌ها و نوشته‌های سر سلطان محمد شاه را منتشر کرد که ویرایش، تعلیقات و مقدمه‌ی آن را پروفیسور خ. ک. عزیز، یکی از محققین برجسته‌ی تاریخ شبه قاره‌ی هند به انجام رسانیده است. گزیده‌ای از سخنرانی‌های منتشر شده در این کتاب در این وب‌سایت ارایه شده‌اند که آرمان‌ها و اندیشه‌های سر سلطان محمد شاه را درباره‌ی تحصیلات مدرن و چند فرهنگی، نوزایی فرهنگ اسلامی و اسلام در دوره‌ی مدرن منعکس می‌کنند. بسیاری از دیدگاه‌های او در منظرهایی منعکس شده‌اند که تلاش‌های مؤسسه را جهت می‌بخشند. کار نامه‌ی آقاخان سوم عنوان درخشان و ماندگار است که در تاریخ اسماعیلیه و اسلام درج است. سلطان محمد شاه در سال هجده هشتادوپنج میلادی به امامت اسماعیلیه رسید و حدود هفتاد دو سال چهل و هشتمین امام زمان اسماعیلیان بود. آقاخان سوم در یازده ژوئیه نوزده پنجاه هفت در ژنو چشم از جهان پوشید. جسد وی را به آسوان در مصر منتقل کردند و همانجا به خاک سپردند. پس از مرگ وی برخی از روزنامه‌های اروپایی به شرح جزئیات زندگی او پرداختند و عنوان‌هایی برای او ذکر کردند. تایمز وی را شهروند جهانی خواند؛ گاردین به وی عنوان پادشاه بدون کشور داد. سلطان محمدشاه که ۷۲ سال رهبری فرقه اسماعیلیه را برعهده داشت، مشهورترین شخصیت این فرقه به شمار می‌رود. او پایه‌گذار نهادها و موسسات اقتصادی و فرهنگی در شبه قاره هند، و بنیان شبکه توسعه آقاخان بود. سلطان محمد شاه، از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۹ رئیس جامعه‌ی ملل گردید.

جامعه ملل، شکل اولیه سازمان ملل فعلی بود که توسط قدرتهای بزرگ و فاتح جنگ جهانی اول تاسیس شد ولی با شروع جنگ جهانی دوم جامعه ملل از هم فروپاشید.

سلطان محمد شاه میگفت: همانگونه که درخاطراتم نیز برای تمام جهان توضیح داده‌ام که دریابند، دو جهان وجود دارد - جهان خردورزی مادی و جهان روشن‌بینی معنوی. جهان روشن‌بینی معنوی تفاوتی بنیادین و گوهری با جهان خردورزی مادی دارد و مایه‌ی مباحثات و افتخار اسماعیلیان است که ما عمیقاً بر این باوریم که جهان روشن‌بینی معنوی به مثابه‌ی حقیقتی از زمان پیدایش اسلام تا بدین لحظه به همراه امامت آمده است و در کنار خود، به منزله‌ی یکی از پیامدهای ضروری اش، عشق، لطافت، مهربانی، و کرامت را نسبت به تمامی برادران و خواهران مسلمان مان از هر مذهبی در درجه‌ی نخست و ثانیاً نسبت به کسانی که زندگی با صداقت، با وجدان و سرشار از عدالت‌ورزی نسبت به هم‌نوعانشان دارند، به همراه آورده است.

این ارکان دینی مذهب اسماعیلیه نزد شما به خوبی شناخته شده هستند، چون شما اینها را از من و از طریق پدران و نیاکانتان از پدر و پدربزرگ شنیده‌اید، تا بدان حد که بیم دارم از فرط آشنایی درازمدت با این تعلیمات، برخی از شما ضرورت بازنگری و معاینه‌ی دوباره‌ی قلب و تجربه‌ی دینی‌تان را از یاد ببرید.

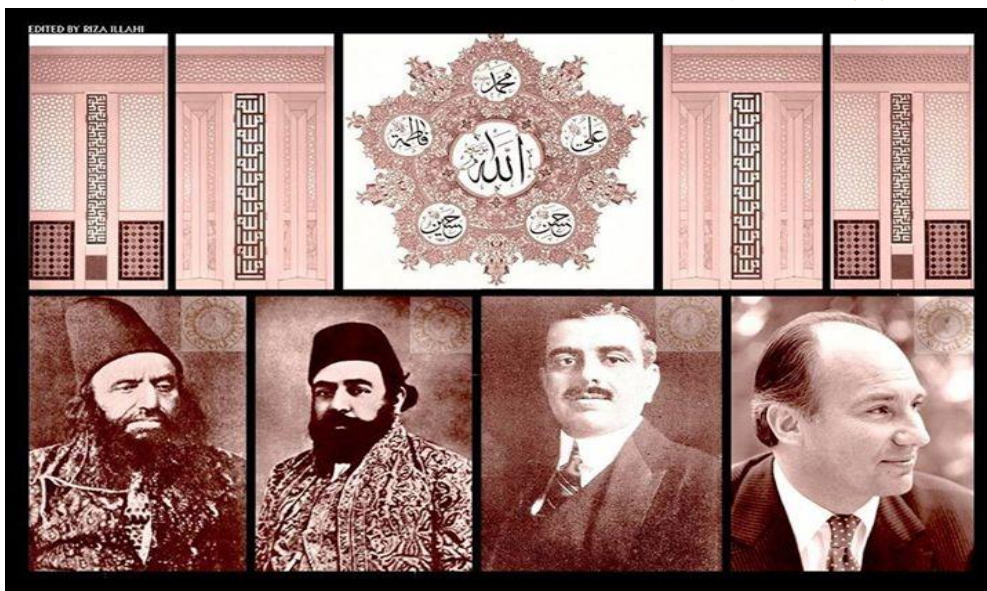
حسن علی شاه ، آقا خان اول . (د . 1298 ق / 1881 م .)

آقا علی شاه ، آقا خان دوم (د . 1302 ق / 1885 م .)

سلطان محمدشاه ، آقا خان سوم (د . 1376 ق . / 1957 م .)

حضرت والاشاه کریم الحسینی ، آقا خان چهارم .

اسماعیلیه ها در افغانستان



طریقه اسماعیلیه از آغاز پیدایش خود در افغانستان نفوذ پیدا کرد و در دهه پایانی قرن سوم هجری، فعالیتش در افغانستان بسیار اوج گرفت. ناصر خسرو بزرگ ترین نقش را در ترویج و گسترش اسماعیلیه در افغانستان قرن پنجم هجری داشته است. وی از سال چهارصدچهل چهار تا چهارصدهشتاد یک - ق - در بلخ و بدخشان، به عنوان داعی و حجت به تبلیغ آیین اسماعیلی مشغول بوده است. همچنان شهکاری های حسن صباح در خراسان (افغانستان کنونی) بدون شک تاثیر به سزایی در رشد و شکوفایی اسماعیلیه داشت است .

در هنگام حمله مغول به افغانستان، مناطق بدخشان که در حصار کوه‌ها بودند، از بلیه مغول مصون ماندند. بنابراین، بدخشان پناهگاهی شد برای اسماعیلیان نزاری و به گنج‌خانه نوشته‌ها و آثار نزاری تبدیل شد. در مورد تاریخ جدید اسماعیلیان افغانستان اطلاعات فراوانی در دست نیست.

به نظر می رسد حضور اسماعیلیه در افغانستان تاریخ بلندی دارد. طبق روایت‌هایی، محمد بن اسماعیل پس از وفات امام صادق (ع) به سوی ری و دماوند رفت و در آنجا مخفی شد. وی تعدادی از پیروان خود را به قندهار، هند و سند برای تبلیغ طریقه اسماعیلیه اعزام نمود. بنا بر نقل دیگر، زمانی که محمد بن اسماعیل در دماوند (یا نهاوند) به سر می‌برده است، هارون الرشید جمعی را برای دستگیری وی فرستاد، اما محمد بن اسماعیل از این موضوع اطلاع یافته و به فرغانه (در تاجیکستان کنونی) می‌رود و قاضی شمس‌الدین را برای تبلیغ به هرات می‌فرستد.

در قرن سوم، ناحیه ری پایگاه مرکزی دعوت اسماعیلیه در منطقه جبال بود. در آن زمان شخصی به نام زعفرانی، مردم ری را بر ضد اسماعیلیه شوراند و غیاث، رهبر دعوت اسماعیلیه در ری را مجبور به فرار به طرف خراسان کرد. به گفته خواجه نظام‌الملک در سیاست نامه، «این غیاث که از ری بگریخته بود و به خراسان شده، به مرو ورود مقام گرفت و امیر حسین علی مرودی را دعوت کرد و اجابت یافت». غیاث در حدود سال دوصدو هشتاد هجری به مرو ورود (بالا مرغاب امروز در شمال افغانستان) رفت و امیر حسین بن علی مروزی را به اسماعیلیه در آورد. بسیاری از مردم در نواحی مجاور مرو ورود (تالقان افغانستان، (فاریاب، هرات، غور و غرjestان) نیز بر اثر نفوذ این امیر قدرتمند که بعدها خود یکی از داعیان اسماعیلیه شد، بدین مذهب گرویدند.

حسین بن علی مروزی که از امیران و صاحب‌منصبان مهم دستگاه سامانی بود، از سال 307 تا 312ق - به عنوان داعی اسماعیلیه در خراسان فعالیت می‌کند و پایگاه دعوت را از نیشابور به مرو ورود منتقل می‌نماید. فعالیت

اسماعیلیه در غور و غرjestان (در مرکز افغانستان کنونی) نیز در پایان قرن سوم هجری و در زمان حکومت امیر اسماعیل سامانی به وسیله فردی به نام ابوبلال اوج می گیرد که با سرکوب و عکس العمل سریع و شدید وی مواجه می شود. اگرچه اسماعیلیان با سرکوب شدید امیر اسماعیل سامانی مواجه گشتند و حسین مروزی نیز به دستور امیر نصر سامانی دستگیر و زندانی شد، جنبش اسماعیلیه در مناطق یاد شده نه تنها از بین نرفت، بلکه بر اثر تلاش احمد نسفی، جانشین حسین مروزی، در خراسان و ماوراءالنهر گسترش یافت؛ تا اینکه به دربار سامانیان وارد شد و حتی امیر نصر سامانی خود نیز دعوت اسماعیلیان را پذیرفت.

خواجه نظام الملک می نویسد: در جمله کار به جایگاهی رسید که نصر احمد دعوت او را اجابت کرد و محمد نخشی (احمد نسفی) چنان مستولی گشت که وزیرانگیز و وزیرانشان شد، و پادشاه آن کرد که او گفتی ... سلطان محمود غزنوی (409 - 377 ه.ش) که دامنه حکومتش از ایران تا دریای ستلج (هندوستان شمالی) و از خوارزم تا دریای عرب گشوده بود. محمود، اسماعیلیان بسیاری را به دار زد. به همین ترتیب، محمود غزنوی با اسماعیلیان غور و دیگر نواحی افغانستان نیز با شدت بسیار برخورد نمود. وی با تکفیر اسماعیلیان غور، به قلع و قمع آنان می پرداخت. با یک نگاه به طرح جهانی اسماعیلیه در می یابیم که خراسان یک جزیره مستقل و مناطق اسماعیلیه-نشین در افغانستان امروزی و ماوراءالنهر، همه، زیر مجموعه این جزیره بوده است. شاهد این مطلب این است که ناصر خسرو خود را حجت خراسان بود، و در عین حال، عمده فعالیت او در شمال افغانستان (بلخ) و شمال شرق (بدخشان) بوده است. در حالی که ایوانف، با تکیه بر اطلاعاتی درباره اسماعیلیه، از بدخشان به عنوان یک جزیره مستقل یاد می کند. ابوالمعالی از داعی ای در غزنی نام می برد که هم‌شان حسن صباح و ناصر خسرو و از مؤسسان نهضت اسماعیلیه در آن مناطق بوده است.

طبق نظر سوم، بدخشان، ری و مناطق جنوبی افغانستان، باید هر کدام جزیره بی جداگانه و مستقل از خراسان بوده باشند، و این خود دلالت بر فعال بودن اسماعیلیه در غزنی (پایتخت حکومت غزنویان) دارد. مارشال گ. هاجسن نیز به این تقسیم بندی سه‌گانه جغرافیایی در سرزمین‌های ایران - خراسان و ماوراءالنهر اذعان دارد، ولی احتمال می دهد که این تقسیم بندی، مدت درازی دوام نداشته است.

در دوره پس از تجزیه افغانستان امروزی به دو دولت غوری و غزنوی، اسماعیلیان، علاءالدین حسین سلطان غور را به کیش خود درآوردند و با کمک او آزادانه به تبلیغ آیین خود پرداختند. با این حال، رابطه تیره اسماعیلیه پس از علاءالدین حسین با فرزند اوسیف‌الدین محمد و ... نشان آشکاری از وضعیت نامناسب اسماعیلیه افغانستان در این مقطع است. سیف‌الدین محمد، همه داعیانی را که پدرش در سال پنجدسی و چهار-ق- به غزنی دعوت کرده بود و نیز بسیاری دیگر از کسانی را که تازه به این کیش درآمده بودند، از دم تیغ گذراند. حکمرانان غوری پس از او نیز بارها علیه اسماعیلیه دست به اقدامات جنگی زدند. نفوذ مخالفین در دستگاه حکومتی سلاطین بعدی غور، شاید از عوامل مهم سخت گیری ایشان بر اسماعیلیه بوده است. غیاث‌الدین که بر غور و مناطق ضمیمه آن حکومت می کرد، و برادرش شهاب‌الدین که بر غزنی و مناطق اطراف آن حکومت می کرد تفکرهای دیگر را برگزیده بودند. بدون تردید بزرگ ترین نقش را در گسترش کیش اسماعیلیه و تعمیق تعالیم آن در افغانستان، ناصر خسرو داشته است. وی که متکلمی دانشمند، فیلسوفی توانا، جهانگردی ادیب و شاعری نامور در زبان پارسی دری بود، در سال سه صد و دو چهار-ق - در بلخ متولد شد.

ناصر خسرو، پس از دوران جوانی و تحول عظیم روحی، سفر هفت ساله ای را به قصد حج آغاز می کند و در آخر این سفر، به دیدار ابوتیمیم معدین علی المستنصر بالله، خلیفه فاطمی در مصر نایل می آید و با داعی‌الدعات، مؤیدالدین رابطه دوستی برقرار می کند. وی قبل از این سفر به طریقه اسماعیلیه درآمده بود.

ناصر خسرو یکی از نابغه های فکری و شاعر مشهور ادب پارسی دری در قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) محسوب میگردد. ابومعین ناصر پسر خسرو پسر حارث قبادیانی، شاعر، حکیم، نویسنده و سیاح مشهور و داعی بزرگ اسماعیلیه (در اسماعیلیه معروف به حجت خراسان) در سال سه صد و نو چهار-ه. در قبادیان بلخ (در شمال افغانستان امروزی) بدنیا آمد. ناصر خسرو در آغاز زندگی در دربار پادشاهان غزنوی اشتغال داشت، اما در اثر خوابیکه دید به قول خودش از خواب غفلت بیدار شد، شغل دیوانی را کنار گذاشت و در جستجوی حقیقت، معرفت و کمال به مسافرت پرداخت، تا سال چهار صد و چهل چهار هجری در مسافرت بسر برد. وی مدت هفت سال سرزمین عربستان و شمال شرقی و جنوب غربی و مرکزی خراسان و آسیای صغیر و شام و سوریه و فلسطین و مصر و قیروان و سودان را سیاحت کرد. مدت سه سال در مصر ماند، درین مسافرت هفت ساله با حکما و دانشمندان و علمای مختلف ملاقات کرد و مباحثات آراست در مصر وی بیدار خلیفه فاطمی (امام اسماعیلیه) المستنصر بالله مشرف گردید، او طریقه اسماعیلیه را موافق میل و آرزوی خود یافت و بدان پیوست و عنوان حجت خراسان را دریافت نمود. و در سال چهار صد و چهل چهار. که حدود پنجاه سال داشت به خراسان برگشت و به بلخ زادگا اصلی خویش فرود آمد، و بدعوت مردم به اسماعیلیه

پرداخت. اما با خصومت امرای سلجوقی مواجه شد. امرای سلجوقی شاید هم با اشاره خلفای بغداد (عباسیان) که دشمنان خونی اسماعیلیان بودند. اما پس از مدت کوتاهی، موفقیت‌های او دشمنانی که از پشتیبانی حکمرانان سلجوقی برخوردار بودند برانگیخت و خانه او را ویران کردند و حتی قصد جانش را نیز داشتند. سرانجام، او را مجبور کردند تا خانه خود را ترک کند و به دره یمگان در بدخشان پناه ببرد. یمگان در آن زمان جزء قلمرو امیرخودمختار بدخشان، علی‌بن اسد بود که مذهب اسماعیلیه و رابطه نزدیکی با ناصر خسرو داشت.

در یمگان نیز ناصر خسرو به فعالیت اسماعیلیه خود ادامه داد و در همان حال، مکاتبات خود را با داعی‌الدعات، مؤید-الدین و مرکز دعوت فاطمی در قاهره حفظ کرده بود. مطابق روایات اسماعیلیان امروز بدخشان که از ناصر خسرو به عنوان «شاه سید ناصر» نام می‌برند و هنوز برای او احترام بسیاری قائل‌اند و برخی از آثارش را حفظ کرده‌اند، این ناصر خسرو بود که مذهب اسماعیلیه را در بدخشان رونق بیشتری بخشید. بدخشان پس از این یکی از مراکز اسماعیلیه و پایگاه اسماعیلیان پس از تخریب قلعه الموت شد و به گنج‌خانه نوشته‌های اسماعیلیه تبدیل گردید.

ناصر خسرو تا هفتاد سالگی زنده بود و در یمگان در تاریخ نامعلومی بعد از سال 465 ق درگذشت. قبر او که بر فراز تپه قرار دارد، در یمگان و در قریه امروزی حضرت سید نزدیک فیض‌آباد واقع شده است. ساکنان محلی که مقبره را همچون زیارتگاهی پاس می‌دارند و مدعی‌اند که سید و از اعقاب ناصر خسرو هستند.

برخی محققان ورود اسماعیلیه در بدخشان را هم‌زمان با ورود ناصر خسرو به آنجا و به دست او می‌دانند. اما اسماعیلیه از قرن سوم هجری در این منطقه فعال بوده و ورود اسماعیلیه حداقل در پایان قرن سوم در بدخشان و نواحی آن قطعی است. علی‌بن اسد، حکمران خودمختار بدخشان، خود، اسماعیلیه بوده و ناصر خسرو با علم به اینکه اسماعیلیان بدخشان و دره‌های آنجا پناهگاه امنی برای او خواهند بود، به آنجا پناه می‌برد.

در روزگار محمدبن بزرگ امید، سومین داعی قهستانی (پنجصدوسی دو - پنجصدوپنجاه هفت - ق)، داعیان نزاری قهستان کوشش‌های بسیاری برای رخنه در مرکز افغانستان (غور) به خرج دادند و در اواخر دوره الموت، نزاریان قهستان دو داعی به قهستان فرستادند. نخستین داعی قهستانی، سید شاه ملنگ بود که حکمرانی خود را در شغنان، یکی از نواحی عمده بدخشان، مستقر ساخت. به دنبال او داعی دومی به نام میر سید حسن شاه خاموش روی کار آمد. این داعیان، سلسله پیران و میران را تشکیل دادند که بر شغنان، روشن و نواحی مجاور بدخشان در منطقه آمودریای بالا (جیحون علیا) تا روزگاران جدید حکومت می‌کردند.

ناصر در سفرنامه رویدادها و قضایا را با بیطرفی و بی‌غرضی تمام نقل می‌کند. اما زمانی که به زادگاهش بلخ می‌رسد و به امر دعوت به مذهب اسماعیلیه مشغول می‌شود، ملاها و فقه‌ها سد راه او شده و عوام را علیه او تحریک نموده، خانه و کاشانه‌اش را به نام قرمطی، غالی و رافضی به آتش کشیده قصد جانش می‌کنند، به این سبب در اشعارش لحن او اندکی در تغییر می‌کند، اما نسبت گرایش به مذهب اسماعیلیه و وظیفه‌ای که به‌وی محول شده بود و نیز رویارویی با علمای اهل سنت و با سلجوقیان و خلفای بغداد که مخالفان سرسخت اسماعیلیان بودند، ستیز و پرخاشگری در وی بیدار می‌شود، به فقها و علمای زمان می‌تازد و به دفاع از خویشتن می‌پردازد. ناصر خواستار جامعه‌ای است منزله و پاک؛ دور از مفاسد اخلاقی، آدم‌کشی، دزدی، رشوه‌خواری، خیانت، چاپلوسی، عیش و عشرت. وی معتقد است که چنین جامعه‌ای جز زیر سیطره دین وجود نمی‌آید. ناصر مدیحه‌گویی را دروغ می‌شمارد و از شاعرانی که امیران و سلاطین را مدح می‌کنند بیزار است، او شاعری را می‌پذیرد که شعرش رهنمای مردم باشد.

محور شعر ناصر عقیده مذهبی و اخلاق است و وی همه چیز را زیر سیطره ای این دو قرار داده، از این رو دیوان اشعارش اغلب مشتمل است بر عقاید مذهبی، اخلاق و بقول امروزی اشعار سیاسی در انتقاد از امیران، شاهان و شاعران ستایشگر، انتقاد از عالمان دینی که دین را وسیله قرار داده، خود تا گلوگاه غرق در گناه می‌باشند. ناصر در اشعار خویش به قرآن استناد می‌کند. در بسیار موارد آیات قرآن را تضمین می‌کند. وی برای قرآن ظاهر و باطن و یا به معنای دیگر تنزیل و تاویل قایل است. وی معتقد است که هر کس بی تاویل به قرآن دست یازد او گمراه است.

حمله چنگیز به افغانستان در سال ششصد قمری آغاز شد که علی رغم مقاومت سرسخت مردم، مغول‌ها بر بیشتر این سرزمین مسلط شدند. پیامد حمله مغول به کشور، آسیب‌های بزرگی بود که بر فرهنگ، اقتصاد و اجتماع آن وارد شد و شهرهای گوناگون تخریب گردید. اسماعیلیه‌های افغانستان نیز دچار مشکلات و مصایب فراوانی گردیدند. در این دوره، اسماعیلیان بدخشان و نواحی پیرامون آن از تأثیرات حمله مغول به دور ماندند. علت این به دور ماندن کوه‌های پامیر و هندوکش و مناطق بدخشان که در حصار این کوه‌ها بود نقش به‌سزایی داشت.

والا حضرت کریم آقاخان



والا حضرت شهزاده کریم آقاخان، چهل و نهمین امام موروئی شیعیان اسماعیلیه جهان در ۱۱ جولای ۱۹۵۷ به عمر بیست سالگی مسند امامت را از پدر بزرگش، سرسلطان محمد شاه (آقاخان سوم) به ارث برد که پس از آن پیروان فرقه اسماعیلیه همه ساله، سالروز تخت نشینی امام حاضر خویش را در اجتماعات بزرگ مردمی جشن گرفته با قربانی نمودن ها، ختم و خیرات های وسیع این روز را به عنوان یکی از بزرگترین جشن های مذهبی شان گرامی میدارند. حضرت والا آقاخان چهارم در طول بیش از نیم قرن که عهده دار رسالت مقام امامت فرقه اسماعیلیه است به عنوان یکی از رهبران متجدد و پر نفوذ جهان اسلام شناخته میشود و امروز دارای روابط دیپلماتیک با بیش از چهل کشور جهان بوده و همچنان در امور خدمات بشردوستانه در اکثر کشورهای جهان فعالیت های مثمروسودمندی را انجام داده است. شبکه انکشافی آقاخان در بیش از ۳۰ کشور جهان در بخشهای انکشاف پروژه های زیربنایی، اقتصادی، بهداشت، تعلیم و تربیه، ترمیم آثار باستانی، قرضه های کوچک برای پیشه وران و خدمات بشردوستانه برای خانواده های بی بضاعت، فعالیت دارد. در طول تاریخ، اسماعیلیان به تمدن های اسلامی و زندگی فرهنگی، فکری و مذهبی مسلمانان خدماتی ماندگاری را انجام داده اند. پوهنتون الازهر و فرهنگستان علوم دارالعلم در مصر و البته خود شهر قاهره در زمان امپراتوری فاطمیان از سوی امامان اسماعیلیه اعمار شد. گفتنی است که پیروان اسماعیلیه که شاخه از مذهب تشیع (جعفری) میباشد و در بیش از ۲۵ کشور و عمدتاً در آسیای میانه و جنوبی، آفریقا و خاورمیانه و همچنین در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا زندگی میکنند.

والا حضرت شهزاده کریم آقاخان چهل و نهمین امام شیعیان اسماعیلیه در واقع نسل چهل و نهم از فرزندان علی (ع) بن ابی طالب و فاطمه زهرا (س) دختر محمد (ص) پیامبر اسلام محسوب می شود، که پس از پدر بزرگش سلطان محمد شاه ، در سن ۲۰ سالگی در ۱۹۵۷ به امامت رسید و تحصیلاتش را در پوهنتون هاروارد در رشته تاریخ اسلام به پایان رسانده است. والا حضرت شهزاده کریم آقاخان یکی از ثروتمندترین سرمایه گذاران مسلمان است. وی سرمایه زیادی را در نقاط فقیر و دور افتاده دنیا خرج کرده است. آقاخان همچنین تلاش دارد تا چهره های غیرخوشونت آمیز از اسلام را به معرض دید جهانیان بگذارد و از ثروت و کمک های مالی خود به کشورهای در حال توسعه و مردمان فقیر دریغ نمی کند. بخشی از ثروت شخصی والا حضرت شهزاده کریم آقاخان که به گفته مشاوران او در سال ۲۰۰۷ بیش از یک میلیارد دلار است. وی پیش از نیم قرن قبل به جانشینی پدر بزرگش تعیین شد.

شبکه توسعه آقاخان (AKDN) نام موسسه ای است شامل دهها بخش مختلف که به فعالیت های بشردوستانه در کشورهای فقیر و در حال توسعه می پردازد. هر سه سال یک بار از سوی این بنیاد جایزه معماری آقاخان به مبلغ نیم میلیون دلار به یک یا چند معمار زنده اعطا می گردد. جایزه معماری شهزاده کریم آقاخان: **Aga Khan Award for Architecture - AKA** جایزه ی است که هر سه سال یک بار از سوی بنیاد شبکه توسعه آقاخان به یک یا چند معمار زنده اعطا می گردد. این جایزه که در سال ۱۹۷۷ از سوی کریم آقاخان پایه گذاشته شده، از نظر مالی برترین جایزه معماری در جهان بشمار می آید. به برنده این جایزه ۵۰۰،۰۰۰ دلار آمریکای داده می شود.

جایزه معماری کریم آقاخان برخلاف جایزه پریتزکر، بر روی شیوه های بومی و اسلامی و راهکردهای معماری کهن و نوین در توسعه جهان سوم نیز متمرکز است. هدف از این جایزه شناخت نمونه های برتر معماری که هم طرح های نوین را

دربرگیرد، هم فاکتورهای اجتماعی و بهبود و توسعه آنها، و نیز مفاهیم بازسازی، دوباره استفاده سازی، محافظت و طراحی محیط زیست عنوان گردیده است.

موسسه مطالعات اسماعیلی در مورد جناب شهزاده کریم آقا خان می نویسد:

در چند نسل اخیر، خانوادهی آقاخان سنت خدمت در عرصهی بین‌المللی را دنبال کرده است. پدر بزرگ حضرت والا آقاخان ریاست جامعهی ملل را بر عهده داشت و پدرش شاهزاده علی‌خان سفیر پاکستان در سازمان ملل بود. کاکایش شاهزاده صدرالدین مسوول پناهندگان سازمان ملل، هماهنگ کنندهی سازمان ملل برای کمک‌رسانی به افغانستان و نمایندهی اجرایی سازمان ملل در مناطق مرزی عراق- ترکیه بود. (نویسنده افتخارملاقات با ایشان و ارماکورار دارد). برادر حضرت والا آقاخان، شاهزاده امین، بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۵ به بخش امور اقتصادی و اجتماعی در شورای رهبری سازمان ملل ملحق شد. شاهزاده امین از سال ۱۹۶۸ از نزدیک در ادارهی مؤسسات اصلی توسعه وابسته به نهاد امامت مشغول بوده است. وی مدیر بنیاد آقاخان (AKF) بوده و عضو هیأت مدیرهی صندوق توسعهی اقتصادی آقاخان (AKFED) و رییس کمیتهی اجرایی آن است. شاهزاده امین همچنین به طور چشمگیری در پایه‌گذاری و توسعهی خدمات ارتقای گردشگری (TPS) نقش داشته است. او رییس مؤسسهی فرهنگی آقاخان (AKTC) نیز می‌باشد.

شاهزاده زهرا، دختر و فرزند بزرگ حضرت والا آقاخان، که در سال ۱۹۹۴ با مدرک لیسانس در رشتهی مطالعات توسعه از دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شده است، ریاست بخش رفاه اجتماعی (SWD) را که در درون مجموعهی دفتر آقاخان در فرانسه قرار دارد، بر عهده دارد. او مسوولیت سیاست‌گذاری و مدیریت بهداشت، آموزش، و برنامه‌ریزی و ایجاد شرکت‌های خدماتی شبکهی توسعهی آقاخان (AKDN) را در اختیار دارد. وی همچنین نقش سیاست‌گذارانهی مهمی را در ارتباط با دیگر سازمان‌های توسعهی اجتماعی شبکه عهده‌دار است.

شاهزاده رحیم، دومین فرزند حضرت والا آقاخان در میان چهار فرزند او، در دوازدهم اکتبر ۱۹۷۱ در شهر ژنو در سوییس به دنیا آمد. او که در مجموعهی دفاتر حضرت والا آقاخان در اگمو واقع در شمال پاریس مستقر است، مدیر اجرایی صندوق توسعهی اقتصادی آقاخان (AKFED) - بازوی توسعهی اقتصادی شبکهی توسعهی آقاخان (AKDN) - است. وی همچنین در دفتر نمایندگی اعتبار خرد آقاخان (AKAM) در سمت ریاست اجرایی مشغول خدمت است.

شاهزاده رحیم که در سال ۱۹۹۶ با مدرک لیسانس با گرایش ادبیات تطبیقی از دانشگاه براون در ایالت رودآیلند آمریکا فارغ‌التحصیل شده است، آموزش دوره‌ی متوسطه‌ی خود را در فیلیپس اندور در ماساچوست گذرانده است. او در سال ۲۰۰۶ یک دوره‌ی آموزشی توسعهی اجرایی در زمینه‌ی مدیریت و امور اداری را نیز در فاکولته زراعتی آی‌ای‌اس‌ای پوهنتون ناوارا در بارسلونای اسپانیا به پایان رسانید. شاهزاده رحیم به منظور واریسی به واحدهای صنعتی، هتل‌ها، و مؤسسات مالی شبکهی توسعهی آقاخان از جمله پروژه‌های اعتبار خرد به طور مرتب به آسیا و آفریقا سفر می‌کند. شاهزاده حسین، پسر دوم حضرت والا آقاخان، از کالج ویلیامز در آمریکا مدرک لیسانس خود را دریافت کرد و از دانشکده‌ی روابط عمومی و بین‌الملل دانشگاه کلمبیا (SIPA) در رشته‌ی روابط بین‌الملل مدرک فوق لیسانس اخذ نموده است. در این مقطع حوزه‌ی اصلی مطالعه‌ی او توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی با تمرکز بر روی مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا بود. کوچکترین پسر حضرت والا آقاخان و شاهزاده علی‌محمد در سال ۲۰۰۰ متولد شد.

بر طبق چنین بینشی از اسلام و نیز سنت خودشان در خدمت به بشریت است، هر جا که اسماعیلیان زندگی می‌کنند، آن‌ها (خانوادهی حضرت والا آقاخان) چهارچوب‌های سازمانی مشخص و مناسبی را در جهت اجرای فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی بنا کرده‌اند. این ساختار تحت مدیریت حضرت والا آقاخان گسترش یافته و در نتیجه‌ی تکامل آن شبکه‌ی توسعهی آقاخان به وجود آمده است، که مجموعه‌ای است از سازمان‌هایی که در راستای بهبود شرایط زندگی و میزان فرصت‌ها در مناطق خاصی از جهان در حال توسعه فعالیت می‌کنند. در همه‌ی کشورها، این سازمان‌ها در جهت منافع و خیر عمومی همه‌ی شهروندان، مستقل از اینکه به چه نژاد یا دینی تعلق دارند، کار می‌کنند. گستره‌ی فعالیت این سازمان‌ها از معماری، آموزش و بهداشت گرفته تا ارتقاء بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی، گسترش سازمان‌های غیردولتی و توسعه‌ی مناطق روستایی را شامل می‌شود.

به عنوان بخشی از مراسم گرامی‌داشت پنجاهمین سال امامت حضرت والا آقاخان که آغاز آن یازدهم جولای ۲۰۰۷ بود، او تقریباً از ۳۵ کشور دیدار کرد و از این فرصت‌ها برای قدردانی از همراهی و حمایت دیرین مسوولان کشورها، دولت‌ها و دیگر طرف‌های سهیم در امور امامت اسماعیلیه استفاده نمود. او همچنین با افتتاح و پایه‌ریزی اقدامات و برنامه‌های بزرگ، مسیر حرکت آینده را نیز تبیین کرد.

شاهزاده آقاخان سیصد مؤسسه و برنامه آموزش در هند و پاکستان و کنیا و تانزانیا و چندین کشور دیگر حمایت و پشتیبانی می‌کند و به کارهای اقتصادی توجه مبذول میدارند- از جمله:

۱. AKA آکادمی شهزاده کریم آقاخان.

- ۲، AKES: خدمات آموزشی شهزاده کریم آقاخان
 ۳، AKF: بنیاد شهزاده کریم آقاخان
 ۴، AKFED: صندوق توسعه اقتصادی شهزاده کریم آقاخان
 ۵، AKPBS: شهزاده کریم آقاخان
 ۶، AKT: فرهنگی شهزاده کریم آقاخان
 ۷، AKU: پوهنتون شهزاده کریم آقاخان
 ۸، UCA: پوهنتون آسیای مرکزی محصلین را از سراسر دنیا به صورت رایگان می پذیرد.
 ۹، خدمات ترویج صنعتی
 ۱۰، فاکولته طبی شهزاده کریم آقاخان
 ۱۱، اکادیمی تربیت طبي بخش نرسینگ
 ۱۲، مرکز اسماعیلیه لندن
 ۱۳، بنیاد جوایز معماری شهزاده کریم آقاخان
 ۱۴، شفاخانه شهزاده کریم آقاخان کراچی.

بنیاد معماری شهزاده کریم آقاخان سازمان فرهنگی است برای توسعه شبکه های شهزاده کریم آقاخان. این سازمان به طور رسمی در سال نوزده هشتاد هشت در ژنو به عنوان یک بنیاد خصوصی بشردوستانه تاسیس شدو به یکپارچه سازی و هماهنگی طرح های مختلف از حضرت والا آقاخان شامل بهبود زندگی فرهنگی - و به ویژه محیط زیست ، در جوامعی که مسلمانان حضور دارند. فعالیت مینماید، AKTC شامل سه برنامه ی است - جایزه آقاخان معماری ، برنامه های حفاظت از شهرهای تاریخی و برنامه تعلیم و تربیه وامورهای فرهنگی .

برنامه پشتیبانی از شهرهای تاریخی (HCSP)

در سال نوزده نودیک برنامه ریزی برای ارائه کمک به دولت های محلی و گروه های اجتماعی و برای حمایت از حفاظت و توسعه تلاش در مناطق تاریخی در سراسر جهان اسلام تاسیس شد. فعالیت های HCSP شامل پروژه های در شمال پاکستان ، قاهره ، زنگبار ، سمرقند ، سوریه ، افغانستان و هند است. این پروژه های پوشش محدوده وسیعی از فعالیت های تکمیلی ، از جمله کمک های توسعه خود را به بدنه دولت محلی و سازمان های غیر دولتی ، جامعه کارتوسعه و اجرای خاص برنامه ریزی و طرح بازسازی در مناطق تاریخی و ساختمان که ارائه دهنده فضا برای تجدید حیات و فرهنگی ، فعالیت های اجتماعی و اقتصادی است.

بنیاد شهزاده کریم آقاخان یک موسسه اسلامی است که در زمینه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، علمی و ... در سطح جهان اسلام فعال است. این بنیاد در زمینه فرهنگی نیز برنامه هایی را جهت احیای میراث جوامع اسلامی اجرا می کند که از جمله آنها فعالیت های معماری و بازسازی در سرزمین های اسلامی است. جایزه معماری شهزاده کریم آقاخان که بزرگترین جایزه معماری است و برنده آن پنجاه هزار دلار آمریکا ی دریافت می کند، به نمونه های عالی معماری از نظر طراحی معاصر، مجموعه های مسکونی محلی، اقدامات حفاظتی و همچنین احیا و کاربری جدید دادن به بناها و بافت های تاریخی و در نظر داشتن مسائل اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و ... در این طرح های اجرا شده تعلق می گیرد. آغاز به کار شناسایی نمونه های معماری و اعطای این جایزه از سال نوزده هفتاد و هفت بود. این جایزه همچنین در پی شناسایی طرح هایی بود که بر گفتمان معماری در جهان اسلام تاثیر بگذارد.

در میان جایزه های معماری مهم، این جایزه بسیار منحصر به فرد است که نه تنها به کارهای برجسته انفرادی معماران معاصر ارج می پردازد، بلکه پروژه هایی را شناسایی می کند که راه حل های نوین و قابل تکثیر را برای مشکلات توسعه اجتماعی نمایانگر می سازند. پروژه های برنده شامل مجتمع های مسکونی، ترمیم بناهای مستقل، پروژه های حفاظت بافت و محیط، چشم اندازها و انگاره هایی از ساخت و ساز که هدف آن بهبود و توسعه محیط شهری است، می شود.

هر دوره سه ساله شامل یک مرحله فشرده نامزدی، ثبت مستندات و بررسی فنی پروژه ها است. در حین دوره، صدها ساختمان معاصر و پروژه های حفاظت و شناسایی شده و به هیأت داوران ارشد معرفی می شوند. اعضای هیأت داوران که در زمینه های گوناگونی مثل هنر، باستان شناسی، توسعه شهری و معماری، تخصص دارند پروژه های برنده را انتخاب می کنند. این جایزه، مستندات بیش از شش هزار طرح ساختمانی را از سراسر جهان گردآوری کرده است و از این میان نود پروژه به عنوان برندگان جایزه انتخاب شده اند. از طرح های معماری دریافت کننده این جایزه می توان برج های دوقلوی پتروناس در مالزی، کتابخانه اسکندریه در مصر، مسجد العباس در یمن، احیای شهر تاریخی بیت المقدس و ... را نام برد. جایزه معماری شهزاده کریم آقاخان بر خلاف جایزه پریترکر، بر روی شیوه های بومی و اسلامی و راهکردهای معماری کهن و نوین در توسعه جهان سوم نیز متمرکز است. همچنین این جایزه ای است که هر سه سال یک بار از سوی بنیاد شبکه توسعه آقاخان به یک یا چند معمار زنده اعطا می شود.

والاحضرت کریم آقاخان در شرایط ناگوار افغانستان به کمک مردم شتافته و طی سالیان اخیر کارهای زیادی انجام داده اند و از جمله :

- کمک بیش از یک میلیارد دلار امریکایی در بخش های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی.
 - ایجاد نخستین شفاخانه مجهز با معیارهای جهانی درمان سوراخ قلب.
 - ایجاد نخستین بانک قرضه های کوچک (خدمات این بانک بسیاری از کسبه کاران خورد و کوچک را مالک یک تجارت خانه ساخته است).
 - ایجاد شرکت مخابراتی روشن با سرمایه گذاری ابتدایی بیش از پنجصد میلیون دالر (- این شرکت تنها در سیزده سال پسین چهارصد میلیون دالر مالیه به دولت افغانستان پرداخته).
 - ایجاد شفاخانه نسایی ولادی در بامیان .
 - ایجاد چندین پُل، پُلچک و نل های آب نوشیدنی در بامیان
 - بازسازی آرامگاه تیمورشاه درانی، فرزند احمد شاه درانی (احمد شاه بابا)
 - بازسازی باغ بابرشاه (که حالا یکی از بزرگ ترین تفریحگاه کابل است)
 - ایجاد هتل سرینا با سرمایه ابتدایی سی و پنج میلیون دالر.
 - ایجاد مرکز فرهنگی آقاخان (این نهاد فعالیت های فرهنگی را تمویل و حمایت مالی می کند).
 - ایجاد مؤسسه خبریه فوکس (این نهاد در دور دست ترین بخش های افغانستان به آسیب دیدگان بلاهای طبیعی کمک های بشردوستانه فراهم می کند).
 - بازسازی بخش بزرگ از آثار و مکان های تاریخی و باستانی در هرات.
 - تمویل و کمک به یتیم خانه های کابل مانند (مؤسسه آشیانه و دیگران).
 - شهزاده کریم آقاخان یکی از همکاران اصلی حکومت افغانستان در سیزده سال گذشته بوده است.
 - شهزاده کریم آقاخان به پیروانش در افغانستان توصیه کرده که شهروندان وفادار به کشور و ملت شان باشند و از قوانین کشور تبعیت نمایند.
- همچنان شاهدیم حامد کرزی و اشرف غنی زمامداران قبلی و کنونی افغانستان پروژه های عام المنفعه شبکه انکشافی آقاخان در بخش های صحت، تعلیم و تربیه و میراث های فرهنگی را سازنده و مهم توصیف کرده و بر ادامه و انکشاف این همکاری تاکید کرده است.
- یاداشتها و برداشتها :
- تاریخ الدعوة الاسماعیلیه، تألیف مصطفی غالب مورخ اسماعیلیه مذهب.
 - دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۵ .
 - صابری، حسین، تاریخ فرق اسلامی، سمت، تهران، ۱۳۸۴ .
 - طلوع - پاییز 1382، شماره هفت - اسماعیلیه در افغانستان.
 - مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، قدس رضوی، ۱۳۷۲ .
 - وبگاه دایره المعارف اسلام پدیا .
 - وبگاه حوزه نت.
 - وبگاه موسسه مطالعات اسماعیلی.
 - پژوهشهای نویسنده در وبگاه های علمی و تحقیقاتی - آریایی، اصالت، وطندار، میهن، سپیده دم، دعوت، حقیقت، دنارنج پانه، آزادی مردم، مشعل و...